



## تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسے طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲

جلسه هشتاد و ششم؛ سه شنبه ۹۴/۱/۱۸

### مناقشه در استدلال مرحوم امام

این استدلال مرحوم امام رحمته نیز قابل مناقشه است، البته ایشان خود به این مناقشه اشاره کرده و آن را دفع کرده‌اند، اما واقع این است که اشکال وارد است و آن این‌که:

در عبارت «يُعْرَمُ قِيَمَةَ الدَّارِ وَ مَا فِيهَا» مرحوم امام «مَا فِيهَا» را عطف بر «الدَّارِ» می‌گیرند یعنی «یغرم قیمة الدار و قیمة ما فیها»، در حالی که مانعی ندارد عطف بر خود «قیمة» باشد؛ یعنی «یغرم ما فیها» و این احتمال، بعید و خلاف ظاهر نیست. پس این‌که حضرت غرامت خانه را به قیمت ذکر کردند به خاطر این بوده که خانه قیمی است، اما در مورد «ما فی الدار» ذکر نفرمودند که غرامتش به چیست؛ چون «ما فی الدار» متفاوت است و احتمال دارد بعض آن قیمی و بعض آن مثلی باشد، پس حضرت فقط فرمودند که خسارت «ما فی الدار» باید پرداخت شود و در مقام بیان کیفیت أداء آن نبودند. وانگهی فرضاً نپذیریم که احتمال عطف «ما فیها» بر «قیمة» اظهر باشد، اما حداقل هر دو احتمال با هم مساوی بوده و در نتیجه روایت مجمل شده و دیگر نمی‌توان به آن تمسک کرد. مضافاً به این‌که سند روایت ضعیف است.

### ۹. روایت سکونی:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام  
أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام سَأَلَ عَنْ سَفْرَةٍ وَجَدَتْ فِي الطَّرِيقِ مَطْرُوحَةً كَثِيرَ لَحْمِهَا وَ خُبْزُهَا وَ جُبْنُهَا وَ  
بَيْضُهَا وَ فِيهَا سَكِينٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يُعْوَمُ مَا فِيهَا ثُمَّ يُؤْكَلُ لِأَنَّهُ يَفْسُدُ وَ لَيْسَ لَهُ بَقَاءٌ فَإِنْ

جَاءَ طَالِبُهَا غَرَمُوا لَهُ الثَّمَنَ قَقِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُدْرَى سَفْرَةٌ مُسْلِمٍ أَوْ سَفْرَةٌ مَجُوسِيٍّ؟ فَقَالَ:  
هُمُ فِي سَعَةٍ حَتَّى يَعْلَمُوا.<sup>۱</sup>

سکونی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره‌ی سفره‌ای سؤال شد که در بین مسپیر رها شده و در آن گوشت، نان، پنیر و تخم‌مرغ زیادی است و چاقویی نیز در آن می‌باشد. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: آنچه درون سفره است قیمت‌گذاری شده سپس خورده می‌شود؛ زیرا آنچه درون سفره است فاسد می‌شود و باقی نمی‌ماند، سپس اگر صاحبش آمد ثمن به عنوان غرامت به او داده می‌شود. گفته شد: یا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نمی‌دانیم سفره‌ی مسلمان است یا مجوسی؟ حضرت فرمودند: آن‌ها در سعه هستند تا این که بدانند.

سند این روایت به خاطر نوفلی ناتمام است.

استدلال مرحوم امام<sup>۲</sup> به این روایت چنین است که آنچه در سفره بوده شامل نان، گوشت، تخم‌مرغ و پنیر است که بعضی این‌ها تصریح شده که مثلی است از جمله نان که در روایت دیگری<sup>۳</sup> تصریح شده که مثلی است، هم‌چنین بعید نیست تخم‌مرغ هم در آن زمان‌ها مثلی بوده، با این حال حضرت فرمودند آنچه در سفره است قیمت‌گذاری می‌شود سپس اگر صاحبش بعداً آمد، ثمن (یعنی همان قیمتی که معین شده) به او داده می‌شود «يَقْوَمُ مَا فِيهَا ... فَإِنْ جَاءَ طَالِبُهَا غَرَمُوا لَهُ الثَّمَنَ»، پس معلوم می‌شود ضمان تمام اشیاء به قیمت است.

### مناقشه در استدلال مرحوم امام

واقعش این است که نمی‌توانیم بگوییم بعضی آنچه در سفره بوده، قطعاً مثلی است؛ زیرا:

اولاً: قرص نان هرچند اگر در حدود هم باشد می‌گوییم مثلی است، اما نان همه جا مثلی نیست و وزن و

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۵، کتاب اللقطة، باب ۲۳، ح ۱، ص ۴۶۸ و الکافی، ج ۶، ص ۲۹۷.

۲. کتاب البیع (الإمام الخميني)، ج ۱، ص ۵۸۹:

و منها: وثقة السكوني في قضية السفره المطروحة، ففيها فإن جاء طالبها غرموا له الثمن.

فإن التفریم بالقيمة مع أن بعض ما فيها من قبيل المثلي دليل على أن الضمان مطلقاً بالقيمة.

إلا أن يقال: إن ذلك تعبد خاص في المورد؛ للإذن في الأكل، فهو ضمان جعلي لأجل جواز الأكل، فيستقر بالأكل، كما تشهد به مرسله الصدوق

كما تقدم. و منها: في خصوص القيميات.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۸، کتاب التجارة، ابواب الدين و القرض، باب ۲۱، ح ۱، ص ۳۶۱ و من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۸۸:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ أَبِي يَعْفُورٍ - أَمْرِي أَنْ أَسْأَلَكَ قَالَ: إِنَّا نَسْتَفْرِضُ الْخُبْزَ مِنَ الْجِيرَانِ فَرَدُّ أَصْغَرٍ مِنْهُ أَوْ أَكْبَرَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ نَسْتَفْرِضُ الْجَوْزَ السَّيِّئَ وَالسَّبْعِينَ عَدَدًا فَيَكُونُ فِيهِ الْكَبِيرَةُ وَالصَّغِيرَةُ فَلَا بَأْسَ.

اندازه‌ی آن در جاهای مختلف متفاوت است، خصوصاً که این نان در بیابان بوده و نمی‌توان ملتزم شد که مثلش موجود بوده و حتی چه بسا برای خوردن تکه تکه شده بود، پس علی القاعده یا باید نان را وزن می‌کردند و یا حدس می‌زدند که چقدر است و قیمت آن را حساب می‌کردند. هم‌چنین دلیلی نداریم که تخم‌مرغ‌ها مثلی بوده؛ چون قاعداً تخم‌مرغ در این سفره، شکسته شده و پخته شده بوده که در این صورت دیگر مثلی نیست، لذا اطمینانی نداریم که در این سفره متاع مثلی وجود داشته باشد.

**ثانیاً:** این که حضرت فرمودند «يُقَوِّمُ مَا فِيهَا» از باب غلبه بوده؛ چون اکثر آن چه که در سفره بوده قیمی است، لذا نمی‌توان این ذهنیت که ضمان مثلی به مثل است را با این روایت تقیید کرد.

**ثالثاً:** خود مرحوم امام اشاره کرده‌اند که این روایت مربوط به حالت خاصی است که امام علیه السلام اذن اکل داده‌اند و ما اضافه می‌کنیم که چون در بیابان بوده اگر مثل هم داشته باشد، علی القاعده آکلین نمی‌توانستند مثل آن را فراهم کنند، لذا تعبداً باید قیمت آن را پردازند.

بنابراین همان‌طور که قبلاً ذکر کردیم، مختار ما تبعاً لجلّ فقهاء این است که قاعده‌ی کلیه‌ای در روایات باب ضمان وجود ندارد که آیا ضمان به مثل است یا به قیمت. بله، فی‌الجمله در روایات، غرامت به مثل ثابت است اجماعاً و نصاً، هم‌چنین در بعض موارد از جمله حیوان، غرامت به قیمت ثابت است. بنابراین طبق تفصیلی که قبلاً بیان کردیم، قاعده‌ی اولیه‌ی عقلائی، ضمان به مثل است.

## تبصره‌ی دوم

تبصره‌ی دیگری که بیان می‌کنیم این است که بعضی‌ها در ضمان به قیمت مناقشه کرده و گفته‌اند اصلاً ضمان به قیمت نداریم؛ زیرا در مواردی که شیء به حسب مشهور قیمی است، قطعاً مصالحه‌ی به اقل یا اکثر جایز است؛ مثلاً اگر قیمت فلان شیء صد درهم است، می‌توان به صد و ده درهم و یا به نود درهم مصالحه کرد، در حالی که اگر ضمان به قیمت بود و مثلاً درهم به عهده‌ی ضامن می‌آمد، در این صورت مصالحه‌ی به کمتر یا بیشتر از جنس خود موجب ربا می‌شد و جایز نبود، پس معلوم می‌شود ضمان به قیمت وجود ندارد.

جواب این شبهه هم از ما سبق روشن می‌شود و آن این که بیان کردیم در مواردی که ضمان به قیمت است، ضمان به خصوص درهم، دینار و ... نیست بلکه به نقد رایج و مقبول در جامعه است، لذا جامع بین درهم و دینار به عهده‌ی ضامن می‌آید و مصالحه‌ی در مقابل جامع به اقل یا اکثر ربا نبوده و جایز است. بله، اگر در بعض جاها نقد رایج فقط مثلاً پول نقره باشد، در این صورت مصالحه‌ی به اقل یا اکثر ربا بوده و

جایز نیست و اجماعی وجود ندارد که مصالحه جایز است. مضافاً به این که مصالحه اگر به این معنا باشد که مثلاً مالک مقداری از دراهم را می‌بخشد، این دیگر ربا نیست.

والحمد لله رب العالمین

جواد احمدی